

پریا غیاث زاده، طراح گرافیک و مشاور هنری در گفت و گو با شهرآرا از المان های موقت و ثابت مشهد می گوید

آبرالمان ها شریک هویت سازی شهری

مجید خاکپور

مشهد از نیمه های دهه ۸۰ تا تقریبا یک دهه بعد، در زمینه ساخت المان های موقت شهری، شهری نسبتا خلاق و

موفق بود والمان های اکران شده در سطح شهر مورد توجه هم شهروندان و هم زائران و گردشگران قرار می گرفت. به گفته پریا غیاث زاده این روند از نیمه های دهه ۹۰ واز حدود یک دهه پیش رو به افول گذاشت. این طراح گرافیک و مشاور هنری و نظارت عالی پروژه های طراحی داخلی و هنری در حوزه های محیطی و شهری، با اشاره به این نکته، بر این باور است که نداشتن تحلیل و شاخصه های درست، هویت مدار نبودن و تکرار از دلایل این افول بوده و مدیران بعدی هم سعی نکرده اند بازنگری عمیقی انجام دهد و نگاهی نو به طراحی و ساخت المان های موقت داشته باشند. از سوی دیگر، موفقیت آن المان های موقت در آن سال ها شاید از دلایلی شد که مدیران به جای ساخت مجسمه ها و المان های ثابت، بیشتر تمرکز و انرژی و هزینه را روی اجرای المان های موقت بگذارند که به گفته غیاث زاده، این هم تحلیل اشتباهی است. المان های ثابت نه فقط ماندگاری که تأثیر بیشتری هم دارند، از جمله هویت بخش تر هستند و احساس دلبستگی و تعلق بیشتری هم نسبت به المان های موقت ایجاد می کنند. البته به این شرط مهم که برای شهروندان دارای معنا باشند و شهروندان بتوانند خود و هویت و پیشینه و فرهنگشان را در آن ببینند و بدیهی است که صرف ساخت المانی با ابعاد بزرگ در عرصه ای وسیع اگر همراه با تحلیل و شناخت درست از جامعه نباشد، نه تنها دلبستگی ایجاد نمی کند که سبب گارد گرفتن و حتی انزجار شهروندان نیز خواهد شد.

آچه در ادامه می آید گفت وگویی ما با پریا غیاث زاده است درباره مواردی که به آن اشاره شد.

● از نظر محیطی، چه شهری را می توان شهری زیبا و به قاعده دانست؟

هر شهری گذشته (هویت و خاطره اش)، حال (شرایط و زیست امروز شهروندان)، و آینده (آرمان و هدفی که شهر در مسیر رسیدن به آن است) را در خود دارد. مهم آن است که هر شهر با گذشته، حال و آینده خودش همسوا باشد. زیبایی شناسی شهر شامل هر آن چیزی می شود که در حوزه بصری شهروندان قرار گیرد که شاخص های متعدد و متنوعی دارد مانند نمای ساختمان ها و مبلمان شهری که در کنار هم باعث ایجاد حس در مخاطب می شود و خلاصه هر چیز کوچک و بزرگی که در منظر شهروندان قرار دارد، هنر شهری»

نیز از جمله زیرمجموعه های عناصر مؤثر در زیبایی شناسی شهری است، که خود از نقاشی دیواری، مجسمه ها و المان های ثابت و موقت و آذین بندی تشکیل می شود. حتی رنگ پوشش شهروندان و ماشین ها هم در زیبایی شناسی شهر تأثیرگذار است که امروزه بیشتر سیاه و سفید و خاکستری به چشم می خورد و این ها همه در خلق و خوی شهروندان تأثیر می گذارد. شما اگر به بمبئی هندوستان بروید آن چنان تنوع رنگ ها زیاد است که حال و هوای قدم زدن در آن شهر را بسیار متفاوت می کند با حال و هوای قدم زدن در شهری مانند مشهد. پوشش های گیاهی نیز از جمله

زیرمجموعه های عناصر زیبایی شناسی شهری محسوب می شود و در نهایت حلقه ارتباط عناصر زیبایی شناسی شهری «گرافیک محیطی» است. شهر زیبا، شهری است که بین تمام اجزای آن هارمونی وجود داشته باشد. یعنی هم به گذشته و هویت و هم به حال امروز شهروندان و هم به چشم انداز آینده توجه داشته باشد. گرافیک شهری مرتبط کننده اجزای مختلفی است که در حوزه شهری استفاده می شود.

● ارزیابی تان نسبت به مشهد چیست؟

مشهد از اواخر سال ۱۳۸۶که بحث «استقبال از بهار» شروع شد، خیلی در این عرصه پیشتاز بود و تلنگرهای بزرگی زد و متفاوت شد. اما واقعیت این است که اکنون به آن معنا هویت مدار نیست، حالا، به دلایلی رو به افول است و ریتمی تکرارشونده دارد. هویت مستقل و شاخصی برای خودش ترتیب نداده است، یعنی رشد نکرده، مدتی در همان سطح مانده و بعد پایین آمده. در مجموع، الان شرایط مناسبی ندارد.

● آن فضا تا اوایل دهه ۹۰ هم ادامه داشت و مشهد در سطح کشور از نظر ساخت یک فضای شهری با المان های موقت دیده شد. چه عواملی باعث افول مشهد شد؟ آیا فقط تکرار و کلیشه ای شدن؟ چه

کارهایی می شود برای آینده کرد؟

آن زمان چون کار را تازه شروع کرده بودند و در شهرهای مختلف ایران کاری انجام نشده بود، تکانی داد و خیلی به چشم آمد، اما همان موقع هم به این معنا نبود که کارهای خیلی ویژه و منحصر به فردی باشد. کارهایی در حد متوسط آمد بالا، اما چون قبیش صفر بودیم، این متوسط بودن هم خیلی شاخص و ویژه شد، مدیران شهری دیدند که بعضی شاخصه ها خیلی تأثیرگذار است؛ مثلا عناصر نوستالژیک یا بزرگ مقیاس بودن و... که البته شاخصه و انتخاب های درستی برای استفاده همیشگی نبود. تا سال ۹۵-۹۶ و حتی ۹۷ هم کارها بد

نبود، اما بعد از آن سراپیینی شروع شد، به این دلیل که از فضا تحلیل اشتباهی شد. ما داریم که بتوانیم همگام با زمانه و جامعه باشیم. شاخصه های درستی انتخاب نشد و تحلیل های عمیقی در این حوزه انجام نشد و شاید بزرگ ترین مسئله اش هم این است که در سیستم شهرداری از یک جایی به بعد کسانی که مسئولیت گرفتند دوباره همان شاخصه هایی را الگوی خود قرار دادند که فکر می کردند چون در دوره های قبل تعیین کننده و خوب بوده، باز هم می شود از آن استفاده کرد. به همین دلیل دچار تکرار نادرستی در این پروسه شدند. راه برون رفت از این وضع هم بررسی عمیق تر است؛ فضا باید دوباره شخم بخورد و دوباره یک سری از اصول نوشته و بر مبنای اصول جدید و مدرن تر تحلیل شود. این را هم بگویم که زمانی که آقای پژمان [شهردار مشهد از اردیبهشت ۱۳۸۶ تا شهریور ۱۳۹۲] آمد، رییس بزرگی کرد و ریسکش هم گرفت.

● المان های ثابت می توانند تأثیر عمیق تر و هویت بخش تری داشته باشند. در حوزه المان های ثابت، مشهد را چطور می بینید و چه چیزهایی

می تواند در یک نگاه بلندمدت هم زیبایی و دلبستگی ایجاد کند و هم هویت بخش باشد؟ آیا مردم خودشان را در فضایی که در شهر ساخته شده، می بینند که دلبستگی ایجاد شود؟

واقعیتش این است که نه، من اگر بخواهم از دو کشور یادو شهر مثال بزنم که شاخصه های ویژه ای دارند، از دو شهر مسکو روسیه و پاریس فرانسه مثال می زنم. در این دو شهر المان ها بر مبنای هویت سیاسی و فرهنگی و روحیه مردمان آن کشور است. در مسکوفلز و سنگ موادی است که بیشتر از آن استفاده می شود و مجسمه ها و المان ها هم در ابعاد بسیار غول آسا و بزرگی هستند. آنجا مجسمه هایی می بینید به بلندی ۱۰۰ متر و بیشتر که شکوهش تأثیری عمیق بر بیننده می گذارد که البته هزینه زیادی هم صرف ساخت آن ها شده است. در پاریس نیز اگرچه عظمت و بزرگی المان ها به نسبت مسکو ابعاد کوچک تری دارد، اما همچنان عرصه های بزرگ نمایش در فضا سازی المان های آن ها به چشم می خورد، تنوع رنگ و مترپال و سبک نیز در آن ها



نمایی از آبرالمان غیاث زاده

شاخص و منحصر به فرد است. اما در مدیریت شهری مشهد بود چه ای که باید صرف ساختن یک المان ثابت شود صرف تعداد بیشتری المان مثلا برای استقبال از بهار می کنند که بیشتر دیده شود. این همان سیاست های اشتباه مدیریتی است. اگر ما المان هایی با ابعاد بزرگ و ویژه و خاص و متناسب با هویت و فضا داشته باشیم قطعا شهر را خیلی هویت مدارتر می کند. البته در بولوار شاهنامه المان هایی را درست کرده اند که کارهای فاخر و فوق العاده ای است، اما ابعاد و عرصه بزرگی ندارند. اگر مسئولان مربوطه تمرکز را بگذارند روی طراحی المان هایی بسیار شاخص که به لحاظ ابعاد و موقعیت و... هم به آن ها توجه شده باشد، می تواند از عناصر تعیین کننده در حوزه شهری باشد. مثل برج آزادی که یک ملک است. اگر المان هایی در فضا های شهری داشته باشیم، خودش هم یک جاذبه توریستی است و در جذب گردشگر بسیار تأثیرگذار خواهد بود و هم ماندگار و هویت ساز است. اما ما این را در سطح شهر خیلی کم داریم، تا الان جسارت ساخت المانی با ابعاد خیلی بزرگ تر از چیزهایی که هست را نشان نداده اند.

● اما آیا لزوما بزرگ بودن المان و عظمتش به تنهایی می تواند نوعی دلبستگی ایجاد کند و تقویت کننده حس هویت باشد؟ آیا مردم هر المانی با ابعاد هر قدر بزرگ را می توانند دوست داشته باشند؟ یا بسا که اتفاقا گارد هم بگیرند در برابرش؟

بله، صرفا ابعاد مهم نیست، به طور حتم هویت و معنا بایستی با ابعاد ترکیب شود. یک سالی چند المان مانند دو چرخه و چرخ خیاطی - که خیلی اقبال خوبی هم داشت- را در میدان استقلال گذاشتند. اقبال از آن صرفا به خاطر بزرگ بودن ابعادش نبود، بلکه در پیوندی بود که با هویت مردم داشت. بعد فکر کردند هر چیز قدیمی را اگر در ابعاد بزرگ بسازند استقبال می شود، تحلیلی اشتباه از یک اتفاق. این طور شد که ما تا چندین سال المان هایی از زندگی در روزگاران قدیم می دیدیم که صرفا بزرگ شده اند. در مجموع رنگ، ابعاد و معنی، این سه باید با هم ترکیب شوند و هر کدام از این ها اگر نباشد یک جای کار می لنگد و نمی تواند بر مخاطبیش تأثیر بگذارد.

شهرآرا

۳شنبه
۸ اردیبهشت ۱۳۹۷
دولت‌آباد ۴۴۴
شماره ۱۱



شهرآرا

اخبار
هنری
مشهد

هنرمند مشهدی داور جشنواره ملی تئاتر رضوی شد



هجدهمین جشنواره ملی تئاتر رضوی به دبیری نعمت الهه پایان، این روزها به میزبانی شهر تبریز در حال برگزاری است. رضا حسینی، پیشکسوت تئاتر مشهد، به عنوان داور هجدهمین جشنواره ملی تئاتر رضوی معرفی شد و در کنار نادر برهانی مرند و شهرام کرمی از نویسندگان و کارگردانان تئاتر کشور، آثار این دوره از جشنواره را ارزیابی می کنند. حسینی متولد ۱۳۴۰، بازیگر کارگردان، مدرس تئاتر و کارشناس هنرهای نمایشی با مدرک درجه یک هنری است. وی تولید و کارگردانی بیش از ۱۰۰ اثر هنری از جمله «آنتیگونه»، «مرگ فروشنده»، «شب بخیر مادر»، «هرا»، «به من دروغ بگو»، «هفت دریا ششمی»، «زنان نوغان» و «مرغ سحر» را در کارنامه کاری خود دارد. در این دوره از جشنواره نمایش «روز بیست و نهم ساعت نه» به نویسندگی و کارگردانی محسن مسعودی فر از نیشابور در پلاتو استاد حمیدی تبریز روی صحنه رفت. همچنین میثم نوپریان از هنرمندان مشهدی با تئاتر «کفتریاز» از تهران در این رویداد ملی حضور دارد.

ایستگاه
هنر

محسن میرزازاده: تمام زندگی خود را مدیون امام رضا(ع) هستم



رضا میرزازاده محسن میرزازاده از هنرمندان نام آشنای کشور است که با قطعات موسیقی خود به زبان های ترکی و کردی، همواره تلاش کرده که روحیه شادی و نشاط را در دل های مردم ایران زنده نگه دارد. هم زمان با دهه کرامت، درباره این روز ها از میرزازاده پرسیدیم و او نیز ضمن

تبریک ایام میلاد امام رضا(ع) به همه مردم ایران به شهرآرانیوز گفت: من تمام زندگی خود را مدیون امام رضا(ع) هستم. کار های مختلفی در ارتباط با امام رضا(ع) تولید کرده ام که اشعار آن را هم شاعران خوب خراسان سروده اند. از جمله آن می توان به حج فقرا، پنجره طلا و ... اشاره کرد.

وی افزود، به عنوان یک هنرمند ایرانی و خراسانی کرمانج، این قطعات را تولید کرده ام و این روز ها هم این قطعات در رسانه های مختلف منتشر شده و با استقبال مردم خوب ایران روبه رو شده است.

میرزازاده درباره فعالیت های هنری خود در روز های جنگ تحمیلی نیز گفت: در این ایام نیز بیش از ۵ اثر از کسترال درباره «ایران» به زبان کردی و فارسی تولید کرده ام که در آن، از قلدری و استقامت سخن به میان آمده است. به خودم می بالم که این آثار را به عنوان یک ایرانی تولید کرده ام.

وی تأکید کرد، ما ایرانی هاویه ویژه ما کردها، به خود اجازه نمی دهیم کسی بخواهد برای سرزمینمان و مملکتمان خط و نشان بکشد. من نوه «سردار عوض خان» هستم. من نوه «چجو خان» هستم، سردارانی که در روزگار خود، ایستادگی کردند و اجازه ندادند دره ای از این خاک به دست دشمن بیفتد. به عنوان یک کرمانج، به نوبه خود و با هنر و زبان و شعرم، از مملکت دفاع می کنم. باید تا می توانیم، از مملکت خود دفاع کنیم و اجازه ندهیم که افرادی بیایند و برای ما خط و نشان بکشند.

این هنرمند کشور بیان کرد: تلاش کرده ام آثار تولیدی من آثار شادی باشد تا بتوانم تأثیر کوچکی در حال مردم داشته باشم. امیدوارم به حق امام رضا(ع) حال همه مردم ایران خوب باشد و در هیچ خانه ای، بیمار و مرضی نباشد.

چارشوق
هنر

علیرضا امینی با «سیگنال سرد» به سینما باز می گردد



فیلم سینمایی «سیگنال سرد» به تهیه کنندگی و کارگردانی علیرضا امینی ساخته می شود. به گزارش سوره سینما: علیرضا امینی که «سفونی باران» را در کارنامه خود دارد به سراغ «سیگنال سرد» می رود. پروانه ساخت فیلم سینمایی «سیگنال سرد» به تهیه کنندگی نویسندگی و کارگردانی

علیرضا امینی صادر شده است و تا پایان تیرماه نیز اعتبار دارد. به تازگی خبر فیلم «دعای ۷۵» به تهیه کنندگی ابراهیم داروغه زاده و کارگردانی رضا جمالی هم منتشر شد و باید دید که این فیلم ها برای جشنواره فیلم فجر خود را مهیا می کنند یا سرنوشت دیگری خواهند داشت.

سریال «پرستاران» روی آنتن تلویزیون



مجموعه تلویزیونی «پرستاران» هر روز ساعت ۱۷:۳۰ از شبکه سلامت سیما پخش می شود و تکرار آن نیز روز بعد ساعت ۲۴ روی آنتن می رود. این سریال به روایت تلخ و شیرین حرفه پرستاری و زندگی شخصی و کاری چند پرستار در یک اورژانس می پردازد و علاوه بر فضای حرفه ای بیمارستان، تعاملات و چالش های فردی آنان را نیز به تصویر می کشد. فاطمه گودرزی و عاطفه رضوی در نقش سوپروایزر و لیندا کیانی، الناز حبیبی و فریبا نادری در نقش پرستار، از بازیگران اصلی این مجموعه هستند. همچنین امین زندگانی، مهدی صباپی، سیاوش خیرابی، صفا آقاجانی، مریم یوسف، رضا توکلی، محمد عمرانی، اشکان اشتیاقی، نسرین نکبسا، شهرام قانادی و شهرام عدلی در این سریال ایفای نقش می کنند.

پخش پویانمایی «ببعی شجاع» از شبکه پویا



پویانمایی «ببعی شجاع» با محوریت مفاهیم تربیتی و روایت دنیای کودکانه، در ۶ قسمت از شبکه پویا پخش می شود. به گزارش خبرگزاری مهر، پویانمایی «ببعی شجاع» به کارگردانی حسین صفارزادگان و تهیه کنندگی محمد مهدی مشکوری با تمرکز بر مفاهیمی چون شجاعت،

رشد فردی و مواجهه با ترس ساخته شده است. این اثر روایتگر زندگی ببعی و ببعو است. «ببعی شجاع» تلاش دارد مفهوم شجاعت را در قالب ایستادگی و ادامه مسیر با وجود ترس برای مخاطب کودک به تصویر بکشد. این پویانمایی با هدف تولید محتوای بومی در حوزه کودک، پیام های تربیتی و اخلاقی را به صورت غیرمستقیم به مخاطبان منتقل می کند.